

رویکردهای شرعی فضل الله بن روزبهان خنجی

در تاریخ نگاری عالم آرای امینی *

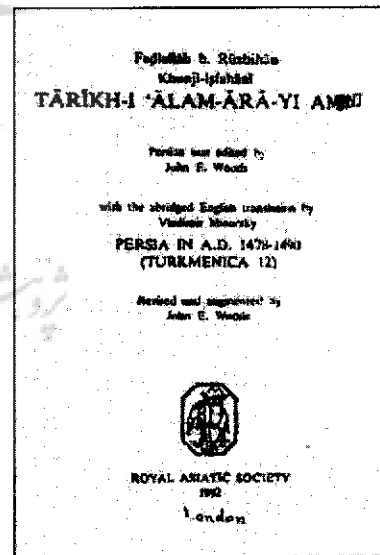
• پرویز عادل

جهان بینی انسان دانست که به گذشته، حال و آینده اوستگی دارد. از سویی اگر تاریخ نگری را نگرش علمی فرد به ادوار مختلف زمانی بدانیم، ارزش والای آن آشکار خواهد شد. هم چنین، اگر نگرش شخص نسبت به جهان هستی و روزگار، جهان بینی او دانسته شود، تاریخ نگری مقوله ای فلسفی به نظر خواهد آمد. به این دلیل تاریخ نگری بدون تفکر فلسفی و اندیشه انتقادی کارآمد نخواهد بود. همان طور که تاریخ نگاری نیز چنین وضعیتی داشته و دارد.

تاریخ نگاری به عنوان بازتاب تاریخ نگری از دیرباز و به صورت مکتوب و غیرمکتوب مطرح بوده است. می توان گفت که صورت اخیر قدمتی بیش از اولی دارد. تاریخ نگاری مکتوب، منابع مختلف تاریخی و غیرتاریخی (همانند منابع جغرافیایی، ادبی، دینی، هنری و مواردی از این دست) هستند که از ادوار گوناگون به صورت نوشتار به یادگار مانده اند. تاریخ نگاری غیرمکتوب نیز شامل کتیبه ها، الواح، مهرها، مسکوکات و موارد مشابهی می باشند که درباره وقایع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی و اقتصادی اطلاعات ارزنده ای به دست می دهند.

تاریخ نگاری را گاه هنر و گاه یک فن می دانند. در دوران متأخر هنر بودن آن، بر فن بودنش غالب گشته است. چون «... نخستین وظیفه مورخ بزرگ باید که هنر آفرینی باشد. نقش هنر در تاریخ چیزی است بسیار ژرفتر از تزیین صرف... نقش هنر گرفتن زهر واقعیات است به دست مورخان زیرک...»^۱

از آن جهت که تاریخ نگاری، آینه انعکاس حوادث و وقایع تاریخی می باشد، با علوم دیگر در ارتباط تنگاتنگی بوده، علمی مانند



- TARİKH-I ALAM-ARA-YI AMINI
- Author: Fadlullah b. Ruzbihan khunji- Isfahani
- Edited by: John E. Woods.
- Publisher: Royal Asiatic Society, London, 1992

مقدمه:

مقوله تاریخ نگری و تاریخ نگاری به تعبیری از قدمتی به سان خود تاریخ برخوردار است. تاریخ نگری را می توان جلوه ای از

خنجی در بیان حوادث و رخداد‌های تاریخی همانند یک ادیب خوش ذوق عمل نموده و گاه تاریخ وی هم چون یک کتاب ادبی جلوه‌گر شده است

تاریخ‌نگاری جهان شمول و شعبات دیگری که به کارآمد بودن محصولات علمی و فرهنگی علم تاریخ اشاره دارند. از بین موارد فوق، در این نوشتار تاریخ‌نگاری سیاسی - فقهی مورد نظر بوده و رویکردهای شرعی خنجی در امر تاریخ‌نگاری بررسی خواهد شد. باید این نکته را یاد آور شد که پیش از آن این نوع تاریخ‌نگاری توسط مولانا جلال‌الدین دوانی (۹۰۸ - ۸۳۰ هـ. ق) استاد فضل‌الله بن روزبهان خنجی (۹۲۸ - ۸۵۲/۸۶۰ هـ. ق) به صورت شریعت‌نامه نویسی آغاز شده بود.^۷

رویکردهای شرعی خنجی در تاریخ‌نگاری تاریخ عالم‌آرای امینی:

در تمام ادوار تاریخی ایران قبل از مشروطیت عناصر مشترکی در تاریخ‌نگاری به چشم می‌آیند که عبارتند از:

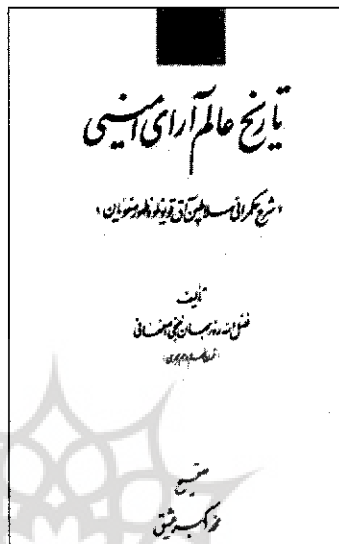
- ۱- حاکم بودن بینش اسلامی ۲- فرمایشی یا دستوری بودن تاریخ‌نگاری ۳- ذیل نویسی ۴- سرهم‌بندی یا مونتاژ ۵- مغلق نویسی ۶- صداقت در گفتار.^۸

در تاریخ عالم‌آرای امینی عناصر اول و دوم را می‌توان مشاهده نمود. بدین صورت که خنجی در تمام تحلیل‌های سیاسی، دینی و مذهبی خود رویکردی همه‌جانبه به شریعت اسلام داشته است. از طرف دیگر او کتاب خود را بنا به دستور فرمانروای دولت آق‌قویونلو نوشته است. از این روی تاریخ عالم‌آرای امینی یک تاریخچه سلطنتی است^۹ که در قالب اسلام شمول نگارش یافته است. علاوه بر آن نمی‌توان عنصر ششم را نیز نادیده گرفت و در صداقت گفتار خنجی شک نمود.

فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، ملقب به «امین» و معروف به «خواجه ملا»، انگیزه خود در تألیف این اثر را شرح اوضاع اجتماعی مردمان و شرح احوال گذشتگان ذکر کرده است. او به دلیل شرایط سیاسی حاکم، به تلفیق عقاید مربوط به خلافت و سیاست پرداخته و به امورات شرعی و سیاسی رویکردی همه‌جانبه داشته است.

خنجی در این اثر سخن خویش را از زمان بعثت پیامبر اکرم (ص) آغاز نموده و آن حضرت را «سرور فرقه نبوت و شهنشه کشور مروت» می‌خواند، سپس مطالب و وقایع تاریخی را تا زمان حیات خود ادامه می‌دهد.^{۱۰}

او درباره خلق این اثر بیان می‌دارد: «... مقصود از ترتیب این مقدمات نتیجه ذات عالی صفات آن سامی رتبت [سلطان یعقوب] و غرض از تألیف این تاریخ عالم‌آرای بیان سوانح حالات آن عالی حضرت است.»^{۱۱} بدان علت به مکارم اخلاقی امام - سلطان جایگاه رفیعی داده است. او مکارم اخلاقی امام - سلطان را چنین و صف می‌کند: جلال‌نسب و داشتن نسب اصیل امام - سلطانی، داشتن شکوه صورت خورشید، کرم و بخشندگی، داشتن عدالت، و فور دانش



خنجی معتقد است که تاریخ هر دولتی را باید دانشمندان آن دولت بنویسند. شاید او دلیل این کار را تحریف شدن وقایع تاریخی توسط مورخین غیر دولتی می‌داند؟ شاید هم مورخین دولتی یا درباری را موثق‌تر می‌داند؟ به آن سبب متذکر می‌گردد، تنها هر آن چه را که دیده و یا به طور متواتر شنیده، ثبت کرده است

فلسفه، جغرافیا، ادبیات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، باستان‌شناسی و سندشناسی از آن جمله هستند.

در تاریخ‌نگاری سبک‌ها و شیوه‌های گوناگونی وجود دارد. اولین شکل تاریخ‌نگاری را می‌توان تبارشناسی یا نسب‌شناسی نامید که در دوران پیش از اسلام هم رواج داشته است. اما در دوران اسلامی قدیمی‌ترین شکل تدوین تاریخی شیوه حدیثی - خبری است، یعنی تسری شیوه اهل حدیث به ضبط و نقل اخبار تاریخی.^{۱۲}

در این راستا تاریخ‌نگاری پارسی را می‌توان به خدمات علمی و فرهنگی سامانیان مدیون بود. طوری که در این دوره بود که تاریخ‌نگاری ملی در ایران شکل گرفت.^{۱۳} به بیان دیگر در دوره سامانیان اساسی‌ترین شکل‌ها و انواع تاریخ‌نویسی روی کار آمده است.^{۱۴}

تاریخ‌نگاری در ایران بعد از اسلام با جمع‌آوری اخبار و احادیث آغاز شد.^{۱۵} در ادوار گذشته تاریخ‌نویسی یکی از مشاغل درباری شمرده می‌شد و بیشتر مورخان در خدمت سلاطین و امرا بودند. همان‌طور که یک سلطان یا امیر، طبیب و منجم و خواننده و نوازنده داشت، شخصی هم به نام «واقعه‌نویس» در دربار به نوشتن شرح حال سلطان و کارهای او مشغول بود.^{۱۶}

در دوران متأخر، تاریخ‌نگاری به پیروی از علم تاریخ به شاخه‌های گوناگونی تقسیم شده است. همانند تاریخ‌نگاری سیاسی، تاریخ‌نگاری اجتماعی، تاریخ‌نگاری دینی، تاریخ‌نگاری فرهنگی، تاریخ‌نگاری ادبی، تاریخ‌نگاری سیاسی - فقهی، تاریخ‌نگاری سیاسی - اجتماعی، تاریخ‌نگاری اسلام شمول،

و لطافت طبع ذهن، حسن اعتقاد و تقویت شرع.^{۱۲}

خنجی ضمن برشمردن مراتب فوق، سلطان یعقوب را واجدان شرایط دانسته و او را امام - سلطان نمونه می‌خواند.^{۱۳} هم‌چنین در طی طریق و سلوک به عقاید شیخ سهروردی و اشراقیان تمایل خاصی داشت،^{۱۴} بنابراین کتابش را با دیدگاهی فلسفی نگاشته است.

وی نقل کرده که تاریخ هر دولتی را باید دانشمندان آن دولت بنویسند. او می‌گوید: «... اگر تاریخ ما فلان نویسد هرآینه چنانچه گفته ناسخ تواریخ ملوک عالم باشد...»^{۱۵} شاید او دلیل این کار را تحریف شدن وقایع تاریخی توسط مورخین غیردولتی می‌داند؟ شاید هم مورخین دولتی یا درباری را موثق‌تر می‌داند؟ به آن سبب متذکر می‌گردد، تنها هرآنچه را که دیده و یا به‌طور متواتر شنیده، ثبت کرده است. شاید با این کار مورخین درباری راستوده و به آن‌ها مقام والاتری داده است.

خنجی از نظر تاریخ‌نگاری مورخین را به هشت گروه تقسیم نموده است:

۱- **مورخین تواریخ عمومی:** این گروه از مورخین، تاریخ عالم را از حضرت آدم تا حضرت خاتم (ص) و بلکه تا انقراض خلفا نوشته‌اند. اولین شخص از این مورخین محمد جریر طبری است که تاریخ عمومی مفصلی نوشته است.^{۱۶}

۲- **مورخین تاریخ انبیاء:** این گروه از مورخین، سیرت انبیا و قصص آن‌ها را نگاشته‌اند. معروف‌ترین آن‌ها ابواسحق ثعالبی، مؤلف کتاب عرائس فی القصص است. اما مورخی که در این زمینه پیش قدم بوده است، وهب بن منبه می‌باشد که مبتداء، جرهم و جامعان اسرانیلیات از نوشته‌های او است.^{۱۷}

۳- **مورخین احوال و اخلاق پیامبر اکرم (ص)،** یا سیره نویسان: این گروه از مورخین به سیر، احوال، اخلاق و اخباری دربارهٔ وجود تعظیم و تکریم پیامبر اکرم (ص) پرداخته‌اند. پیش‌گام این‌گونه مورخین ابی عبدالله بن محمد بن اسمعیل بخاری صاحب کتاب معروف صحیح بخاری است.

۴- **مورخین احوال و مغازی (مغازی نویسان):** خنجی، مورخین مغازی نویس را به دو گروه تقسیم می‌کند. گروه اول کسانی هستند که تنها به ذکر احوال صحابه اکتفا نموده، و سیر و مغازی، مرویات، اسماء و کنیه ایشان را آورده‌اند. آثاری چون مغازی محمد بن اسحاق، معجم ابن قانع، استیعاب ابن عبدالعزیز و اسدالغابة فی اسماء الصحابة در این گروه می‌گنجد.^{۱۸}

گروه دوم کسانی هستند که علاوه بر اخبار و سیر صحابه، به احوال تابعین، تبع تابعین و سایر صلحاء مسلمین نیز پرداخته‌اند. که

کتاب حلیة الأولیاء تألیف ابونعمین اصفهانی از جملهٔ این کتب است.^{۱۹} ۵- **مورخین سنواتی:** این گروه از مورخین تاریخ خود را از هجرت پیامبر اکرم (ص) شروع نموده و آن را تا دوران خویش ادامه داده‌اند. در میان این گروه اختلافاتی از نظر نگارش به چشم می‌خورد به طوری که بعضی از آن‌ها در تاریخ‌نگاری خود به سلاطین تمایل بیشتری دارند و برخی دیگر به فقها، محدثان، مشایخ و فاتحان عنایت بیشتری داشته‌اند. همانند تاریخ الشیخ الامام عبدالله الیافعی الیمنی که در تراجم اکابر یا بزرگان می‌باشد.^{۲۰}

۶- **مورخین وفیات:** به نظر خنجی این گروه از مورخین «وقایع و احوال و تراجم مشهور این امت را از اکابر سلاطین نامدار و محدثان بلندمقدار نوشته‌اند و به ترتیب حروف اوایل اسم آن جماعت ترتیب کرده‌اند.»

وفیات الاعیان تألیف ابن خلکان و الوافی فی الوفیات نوشته صلاح‌الدین صفدی، از تواریخ این گروه به‌شمار می‌روند.^{۲۱} ۷- **مورخین طبقات:** این گروه از مورخین هر کدام به تفکیک، به ذکر طبقه‌ای خاص پرداخته‌اند.

مورخین این گروه به چند دسته تقسیم می‌شوند: الف) **جمعی** از آن‌ها به ذکر طبقهٔ فقهاء و بزرگان دینی پرداخته‌اند. همانند تاج‌الدین عبدالوهاب بن علی سبکی شامی که در مورد طبقهٔ فقهای شافعی مذهب سه تألیف به نام‌های طبقات کبری، طبقات وسطی و طبقات صغری دارد.

ب) **دسته‌ای** نیز وجود دارند که به ذکر طبقات حکماء، اطباء، شعراء، مشاهیر، منجمان، محدثان و سایر دانشمندان دیگر پرداخته‌اند. همانند اسنوی که طبقات فقهاء شافعیه را نگاشته است.

ج) **جمعی** از مورخین نیز به ذکر طبقات قراء پرداخته‌اند. که مهم‌ترین آن‌ها شیخ شمس‌الدین محمد جززی است.

د) **مورخین** این دسته به ذکر طبقات و احوال صوفیه پرداخته‌اند. که مهم‌ترین آن‌ها شیخ ابو عبدالرحمن سلمی است.^{۲۲}

۸- **مورخین سلسله‌ای:** این مورخین به ذکر وقایع و احوال سلسله‌ای از سلاطین پرداخته‌اند.^{۲۳} مورخین این گروه به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) **دسته اول امام - سلطان** را محور اصلی بحث خود قرار نداده، بلکه به طایفهٔ او اشاره داشته‌اند. آن‌ها در خلال احوال ایشان، احوال طوایف دیگر را نیز ذکر نموده‌اند. همانند عطاملک جوینی که تاریخ جهانگشا را بدین‌گونه نوشته است. جوینی هر چند دربارهٔ احوال سلاطین چنگیزخانی بحث می‌کند، اما به ذکر سلاطین دیگر نیز پرداخته است. تاریخ و صاف هم به پیروی از او چنین سبکی دارد.^{۲۴}

ب) **هدف** مورخین دستهٔ دوم ذکر مناقب امام - سلطان است.

فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، ملقب به «امین» و معروف به «خواجه ملا» انگیزه خود در تألیف «عالم‌آرای امینی» را شرح اوضاع اجتماعی مردمان و شرح احوال گذشتگان ذکر کرده است. او به دلیل شرایط سیاسی حاکم، به تملیق عقاید خلافت و سیاست پرداخته و به امورات شرعی و سیاسی رویکردی همه‌جانبه داشته است

خنجی در تاریخ نگاری خویش توجه به گذشته و اندیشه به آینده را توصیه نموده است و خود نیز آن را به کار می‌گیرد

وی می‌گشاید: «... کجاست ابومنصور ثعالبی که بدانستی که آن چه در باب شمس المعالی قابوس گفته و دُرّ مدایح در وصف آن قاموس سفته فی الحقیقه بی گزاف مناسب حال این پادشاه برگزیده اوصافست».^{۲۶}

یکی دیگر از رویکردهای شرعی خنجی در تاریخ نگاری انتقادهای سیاسی - اجتماعی است. او در تاریخ نگاری خویش گاه از دست افرادی می‌نالد که سیاست‌های حکومتی را به نفع خود تغییر داده و موجب تضعیف سیاست و شریعت می‌شوند. وی در آن مورد امام - سلطان آق قوینلوها، یعنی سلطان یعقوب را شخصی رحیم و فاضل می‌داند، اما از اطرافیان او به خاطر این که از موقعیت‌های به دست آمده به نفع خویشان بهره‌داری می‌نمایند، گلایه می‌کند. به نظر وی این اطرافیان سلطان یعقوب هستند که سیاست حکومتی او را ضایع می‌گردانند. خنجی شاید از آن روزی می‌ترسید که این امورات سوء، باعث از بین رفتن پایگاه مردمی سلطان یعقوب گردد، و شریعت اسلام تضعیف شود. او در تاریخ نگاری خویش توجه به گذشته و اندیشه به آینده را توصیه نموده است، و خود نیز آن را به کار می‌گیرد. از یک سو، با توجه به گذشته تاریخی سعی می‌کند که پایه‌های قدرت سیاسی دولت آق قوینلوها را مستحکم نماید، و از سوی دیگر با اندیشه به آینده می‌کوشد تا آن دولت را از گزند هر آفتی مصون دارد. از این جهت گذشته و آینده تاریخی، از نظر او مکمل یکدیگر هستند. طوری که گذشته را برای ساختن آینده لازم و ضروری می‌خواند. خواه ملامت، این گونه از طرفیان سلطان یعقوب می‌نالد: «...طبیعت صاحب اعتدال پادشاه ولی النعم و الافضال مطلقاً بر ترحم و تفضل مجبول و مخلوق بود فأمّا بطانات سوء باطل را لباس حق می‌پوشانیدند و ستم قاتل مطلق را در جام شراب راق می‌نوشانیدند رشف فضایح زندیقی را کشف نصایح صدیقی نام نهاده و به بهانه فتح الباب عدل عمری در جور حجاجی گشاده و قاحت و بدای شیطانی را سماحت و حیای عثمانی انگاشته و به اسم دامن پاکی علی عالی علم رایت هتاک می‌ملجم برافراشته تعیین قوانین ستم خلافت را تقنین قواعد سنن اسلاف خوانده و امانت آثار دین را احیای شرع متین گفته».^{۲۷}

گاه انتقادهای سیاسی - اجتماعی عالم‌آرای امینی همانند کتاب کليلة و دمنه به صورت داستان‌های حیوانی (Fable) آورده شده است. در این نوع از تاریخ نگاری که حکایات و وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شکل انتقاد آمیز و از زبان حیوانات آورده می‌شوند، در واقع هدف نویسنده، آگاهی بخشیدن به مردم است. به عنوان مثال در «حکایت بوزینه و مار و سوسمار»، مار وارد محدوده سوسمار می‌شود و سوسمار جهت راندن آن از دوست خود بوزینه

تنها مقصد این مورخین ذکر سوانح و وقایع دوران امام - سلطان مورد نظرشان می‌باشد. به عنوان مثال تاریخ یمنی تألیف ابوالحسن عتبی، که وقایع دوران سلطان محمود غزنوی ملقب به یمن الدوله را ذکر نموده است. ظفرنامه یزدی نیز که در مورد جنگ‌های امیر تیمور گورکان نوشته شده، به ذکر مناقب امیر تیمور پرداخته است.^{۲۵}

خنجی خود را از مورخین طبقه هشتم دانسته است و کتاب خود، تاریخ عالم‌آرای امینی را در زمره دسته دوم از طبقه هشتم قرار می‌دهد. چون در آن «... سوانح احوال و جلائل مناقب و خصال حضرت اعلی خاقانی یعقوب خانی انارالله برهانه سمت تحریر و تدوین یافته...»^{۲۶} او تاریخ عالم‌آرای امینی را در مقابل تاریخ جهانگشای جوینی نوشته است: «... اسم جهانگشایان تاریخ را به مناسبت آنست که چنگیزخان در عالم دست جهانگشایی گشوده، این تاریخ به تاریخ عالم‌آرای امینی موسوم می‌گردد به مناسبت آن که حضرت اعلی یعقوب خانی به جان روی به عالم‌آرای نمود...»^{۲۷} او که خلافت عباسیان را با حمله هلاکوخان مغول از محوریت سیاسی خارج می‌دید، اکنون دولت آق قوینلو را جایگزین آن خلافت می‌دانست.^{۲۸}

خنجی طی مقایسه‌ای که بین تاریخ جهانگشای جوینی و تاریخ عالم‌آرای امینی انجام داده است، کتاب خود را برتر می‌داند و دلیل آن برتری را به خاطر هفت خصیصه، جهت تذکیر و تبصیر، و نه تعریف و نه توصیف، چنین بیان می‌کند:

۱- حسن مطلع و بسط دیباچه^{۲۹} - دوری از بیان امور خلاف شرع^{۳۰} - تاریخ نگاری براساس شریعت اسلام^{۳۱} - بیان ساده و روان^{۳۲} - دوری از اختراع اکاذیب و ابداء اعاجیب^{۳۳} - پرداختن به نظم روان^{۳۴} - داشتن لطافت و صناعت^{۳۵}

تاریخ نگاری خنجی گاه به فضایل و مکارم اخلاقی امام - سلطان محدود می‌شود. او ضمن توصیف امام - سلطان، وی را به حد اعلائی انسانیت می‌رساند. خنجی در سخن راندن از اخلاق سیاسی سلطان یعقوب، او را امام - سلطان کامل و مشروع معرفی نموده، ادامه دهنده راه پیامبر اکرم (ص) و خلفای اسلام می‌داند.

وی بر این عقیده است که دین اسلام با جلوس سلاطین بایندردی، به ویژه سلطان یعقوب، تقویت گشته و موجبات نشر روزافزون آن فراهم شده است. هم چنین سلطان یعقوب را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و ادبی، عنصر مفیدی دانسته است.

به عنوان مثال، موقعی که سلطان یعقوب افراد قبیله قراقوینلو را از تنبیه عفو می‌کند، و خراج آن‌ها را می‌بخشد، خنجی لب به تحسین

خنجی در کتاب عالم‌آرای امینی از زاویه شریعت به تاریخ‌نگاری نگریده و در تاریخ‌نگاری خود دارای رویکردهای شرعی است. از این نظر باید او را یک مورخ سیاسی - شرعی و یا یک تاریخ‌نگار فقهی - سیاسی دانست

خنجی از نظر تاریخ‌نگاری، مورخین را به هشت گروه تقسیم نموده است. مورخین تواریخ عمومی، مورخین تاریخ انبیاء، مورخین احوال و اخلاق پیامبر اکرم (ص) یا سیره‌نویسان - مورخین احوال و مغازی (مغازی نویسان) - مورخین سنواتی، - مورخین وفیات، مورخین طبقات و مورخین سلسله‌ای



دست تقدیر نسبت داده شده است و برای اثبات آن مصداقی از قرآن آورده می‌شود. به عنوان مثال در مورد بروز یک واقعه تاریخی چنین بیان می‌کند: «... چون موبک خیراندیش در رودخانه ارجیش نزول فرمود امراء و اشراف همچو وفود نعم و الطاف ربانی از جوانب و اطراف بظل رایت فلک حمایت خاقانی التجاء نمودند و وفود ایشان به مصاحبت فتح و نصرالهی از فحواى «اذا جاء نصرالله والفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا» اخبار می‌نمود و هم‌چنین روز بروز امداد عساکر تزیاید و تضاعف می‌پذیرفت و رایت سعادت هر روز همچو شجره طوبی افزایند و چراغ دولت همچو قیس و ادی ایمن هر لمحہ افروخته‌تر می‌گشت تا به اندک زمانی... ندای فتح و نصرت گرفت.»^{۳۸} مثال‌های دیگری نیز که نشانگر تقدیرگرایی خنجی می‌باشند در این اثر یافت می‌شوند.

در تاریخ‌نگاری خنجی در این اثر سبک‌های گوناگون تاریخ‌نویسی مشاهده می‌گردد. آن سبک‌ها و شیوه‌ها به اختصار عبارتند از:
 ۱- تاریخ‌نگاری حدیثی - خبری: تاریخ‌نگاری او از آن جهت در حوزه تاریخ‌نگاری حدیثی - خبری می‌گنجد که الف) در آن حوادث و وقایع تاریخی به شکل خبری آورده شده است. ب) در آن ویژگی‌های ادبی ذکر شده و به آوردن اشعار و داستان اهتمام ورزیده است.
 ۲- تاریخ‌نگاری سال شماری یا سنواتی: تاریخ‌نگاری خنجی در این اثر از آن بابت شیوه‌ای سال شمارانه و سنواتی دارد که در تدوین آن

کمک می‌خواهد، و بوزینه به هزار بهانه موفق می‌شود که مارا از آن جا بیرون براند.^{۳۸} مقصود این حکایت که راندن مهاجم با استفاده از لطایف الحیل می‌باشد، در واقع پیامی سیاسی است، که بر اثر آن دفاع از سرزمین یا مملکت را به مردم گوشزد می‌نماید. این صنعت که در ادبیات پارسی، «تمثیل» خوانده می‌شود، در ابراز عقاید سیاسی - اجتماعی بسیار کارآمد می‌باشد. در این صنعت هر کدام از حیوانات، نمایانگر یک شخصیت سیاسی - اجتماعی است، و منظور از به کار بردن نام حیوانات، همانا اشخاص سیاسی هستند که به دلیل اوضاع سیاسی حاکم و غالب، از بردن نام آن‌ها پرهیز شده است. خنجی نیز از به کار بردن آن صنعت چنین هدفی داشته است. او به این گونه به برتری‌های اخلاقی و فرهنگی سلطان یعقوب اشاره کرده است، و فساد اخلاقی درباریان را بازگو می‌نماید.^{۳۹}

تاریخ‌نگار عالم‌آرای امینی از نظر ادبی نیز قابل توجه است. خنجی در بیان حوادث و رخداد‌های تاریخی، همانند یک ادیب خوش ذوق عمل نموده و گاه تاریخ وی هم‌چون یک کتاب ادبی جلوه‌گر شده است. در کتاب او «صنعت درج» جایگاه رفیعی دارد. در این صنعت ادیبان ضمن بیان یک واقعه مصداقی از قرآن نیز ذکر می‌کنند تا بر آن مشروعیت دینی ببخشند. این صنعت گاه فرد را تقدیرگرا می‌کند، چون در این صنعت وقایع محدوده، یا به خداوند، یا قضا و قدر، و یا

خنجی طی مقایسه‌ای که بین تاریخ جهانگشای جوینی و تاریخ عالم‌آرای امینی انجام داده است، کتاب خود را برتر از تاریخ جهانگشای می‌داند

نموده است و آن را بدون هیچ‌گونه اظهار نظر و تحلیلی ارائه می‌نماید، همانا تاریخ‌نگاری نقلی یا روایی را پیشه کرده است.

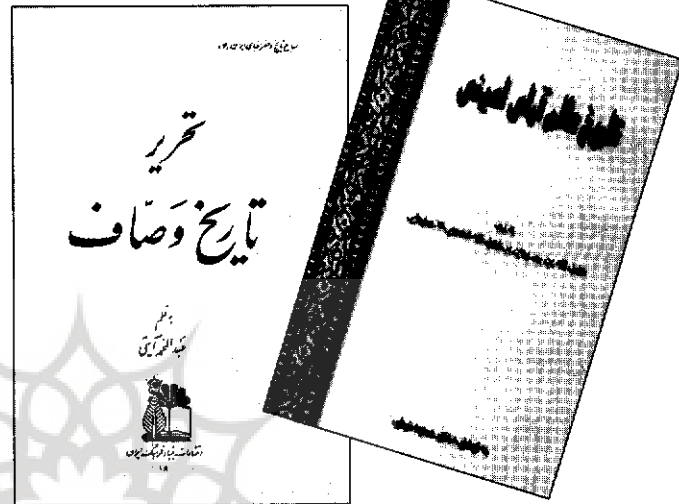
۷- تاریخ‌نگاری تحلیلی: در جاهایی به مقایسه اقوال و آثار پرداخته و سپس به تجزیه و تحلیل نظرات مختلف و ارائه نتیجه‌گیری تاریخی دست یازیده است. در واقع وارد تاریخ‌نگاری تحلیلی و مقایسه‌ای شده است.

سبک‌های مختلف تاریخ‌نگاری که در بالا به آن‌ها اشاره شد، در واقع انواع شکل‌های «تاریخ‌نگاری اسلام شمول» هستند که فضل‌الله بن روزبهان خنجی اشعری مسلک از جمله مورخان آن مکتب بوده است. از آن جا که سنت اشعریان معتقد بود که «دین و سلطنت دو برادر همزادند»،^{۴۲} او نیز امامت را (فقط) خلافت نسبت به پیامبر اکرم (ص) دانسته^{۴۳} و آق قوینلوها را جانشینان با واسطه پیامبر اسلام (ص) معرفی نموده است. او بدین گونه تاریخ‌نگاری اسلام شمول و رویکردهای شریعت‌نگارانه را به اوج خود رسانیده است. به این دلیل او را یک تاریخ‌نگار اسلام‌گرا می‌خوانیم و نه یک تاریخ‌نگار ایران‌گرا. از طرف دیگر، تمامی افکار و رویکردهای وی حول محور اسلام بوده است.

خنجی در این کتاب از زوایه شریعت به تاریخ نگریسته و در تاریخ‌نگاری خود وام‌دار رویکردهای شرعی است. از این نظر باید او را یک مورخ سیاسی - شرعی، و یا یک تاریخ‌نگار فقهی - سیاسی دانست. او درباره تاریخ‌نگاری خویش در عالم‌آرای امینی نقل کرده است: «و چون شرط مصنف در این کتاب «والشرط املک فی کل باب» آن است که سوای [به معنی، به جز، مگر، به غیر از] امور واقعی نگوید و همچو دیگر سخن پردازان بنا بر اعراض خاصه در مدح دوستان اطرا و اغراق ننماید و در ذم دشمنان باب همچو لا ینطق تگشاید...»^{۴۴} خنجی در تاریخ‌نگاری خود از دیگران نیز تاثیر پذیرفته است. وی در بیان مطالب و اخبار تاریخی به کتب بسیاری رجوع نموده است. این امر از یک سو نشانگر موثق بودن عالم‌آرای امینی است، از سوی دیگر ویژگی‌هایی را پدید آورده که حاصل تلفیق سبک‌ها و آراء مختلف بوده است. آن ویژگی‌ها عبارتند از:

عبارت‌پردازی‌های مصنوع، واژه‌های ثقیل و پر معنا، استناد به آیات قرآن و احادیث معتبر، اشاره به سرگذشت انبیا و اولیاء، تفسیر موضوعی آیات قرآن، شخصیت‌پردازی، نثر سلیس و روان و گاه متکلف.

در پایان باید ذکر نمود، از آن جایی که خنجی مورخی با رویکرد شرعی بوده و از وقایع و اخبار داخل دربار ترکمن‌های آق قوینلو آگاه بوده است، بنابراین تاریخ عالم‌آرای، که می‌تواند هم شریعت‌نامه و هم سیاست‌نامه نام بگیرد، منبع کارآمدی جهت شناخت اوضاع آن دوران محسوب شده و محل رجوع می‌باشد.



ترتیب زمانی یا توالی تاریخی رعایت شده است. بدان علت وقایع تاریخی بر اساس سنوات تنظیم گشته و تحت عنوان یک سال خاصی ذکر گردیده‌اند. همانند وقایع سال‌های ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵ و سنوات دیگر.

۳- تاریخ‌نگاری دودمانی: خنجی در عالم‌آرای امینی به ذکر تاریخ ظهور و اقدامات همه جانبه سلسله یا فرمانروای خاصی (سلسله آق قوینلوها و فرمانروایی سلطان یعقوب) پرداخته است. شیوه مذکور که اغلب توسط مورخان درباری به کار گرفته می‌شود توسط خنجی نیز به کار رفته است. زیرا او هم یک مورخ درباری بوده و در دربار آق قوینلوها جاه و مقام داشته است.

۴- تاریخ‌نگاری طبقاتی: او طبقه مجددان دینی، یعنی احیاءکنندگان شریعت اسلام را به تفکیک در یک دوره تاریخی خاصی قرار داده است. و چون سلطان آق قوینلوها را در طبقه مجددان دینی قرار داده، وارد حوزه تاریخ‌نگاری طبقاتی شده است.

۵- تاریخ‌نگاری تبارشناسی یا نسب‌شناسی: در چشم‌اندازی گذرا، خنجی با منتسب کردن آق قوینلوها به اوغوزخان،^{۴۱} وارد حیطه تاریخ‌نگاری تبارشناسی یا نسب‌شناسی می‌گردد. هر چند این سبک از تاریخ‌نگاری تنها در ابتدای کتاب او به چشم می‌خورد، اما این بحث از نظر نسب‌شناسی آق قوینلوها، جهت احراز منصب امام - سلطانی بسیار کارآمد می‌باشد.

۶- تاریخ‌نگاری نقلی: هر جا که تنها به ذکر روایات تاریخی بسنده

پی‌نوشت‌ها:

* مقاله حاضر زمانی به نگارش درآمد که به جز تصحیح جان‌وودز، تصحیح دیگری از تاریخ عالم‌آرای امینی منتشر نشده بود. اما از زمان نگارش تا چاپ این مقاله دو چاپ جدید نیز در ایران صورت گرفته است. مشخصات چاپ‌های اخیر از این قرارند: خنجی، فضل‌الله بن روزبهان: تاریخ عالم‌آرای امینی، به کوشش مسعود شرقی، تهران، انتشارات خانواده، ۱۳۸۰؛ خنجی اصفهانی، فضل‌الله بن روزبهان: تاریخ عالم‌آرای امینی، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲.

شایان تأکید است در تاریخ عالم‌آرای امینی هر جا که خنجی از «ملک» سخن رانده بود، نویسنده سطور حاضر آن را «امام - سلطان» تعبیر کرده است. بدان علت که ماهیت حکومت فرانویان در آن دوران بیشتر به سلطان شباهت داشت، تا پادشاه و از آن جایی که فرمانروای آرمانی از نظر خنجی، (امام - سلطان) می‌باشد، از این روی تعبیر حاضر به کار رفته است. لازم به ذکر است که هدف خنجی از این امر آن بود که مقامات روحانی و سلطنتی را در یک شخص واحد جمع آورد. به بیان دیگر این که مقصود خنجی در این جا نوعی «خلافت پادشاهی» بوده است.

۱- سیوری، راجر، در باب صفویان، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸.

۲- سجادی، سید صادق، و عالم‌زاده، هادی، تاریخ‌نگاری در اسلام، چاپ دوم، تهران: سمت، ۱۳۷۹، صص ۲-۷۱.

۳- بایمت اف، لقمان، «شکل‌گیری تاریخ‌نگاری ملی در ایران طی قرن‌های سوم و چهارم هجری (نهم و دهم میلادی)» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۳۰ بهمن ۱۳۷۹، ص ۱۹.

۴- همان، صص ۲۱-۲۰.

۵- دکتر تاج‌بخش، احمد، تاریخ و تاریخ‌نگاری، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳.

۶- همان، ص ۱۴۰.

۷- دکتر طباطبایی، سید جواد، زوال اندیشه سیاسی در ایران، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۳، ص ۲۴۹.

۸- اشپولر، ب. و دیگران، تاریخ‌نگاری در ایران (مجموعه مقالات)، ترجمه و تدوین دکتر یعقوب‌آزند، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۰، صص ۸-۷.

۹- رویمر، ه. ر. «برآمدن صفویان» تاریخ ایران دوره صفویان، ترجمه دکتر یعقوب‌آزند، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۰، ص ۱۹.

10. khunji-Isfahni , fadlullahb. Ruzbihan.TARIKH-I ALAM-ARAYI AMINI. PERSIANTEXT Edited BY JOHN E.WOODS, London: Royal asiatic society,

از جمله رویکردهای
شرعی خنجی در
تاریخ‌نگاری، انتقادهای
سیاسی - اجتماعی
است. او در تاریخ‌نگاری
خویش‌گانه از دست
افراد می‌نالند که
سیاست‌های حکومتی را
به نفع خود تغییر داده و
موجب تضعیف شریعت
می‌شوند

1992.p.6
11-Ibid.p.35.
12. Ibid.pp. 40-49.
13-Ibid.p.45.
14-Ibid .pp.66-69.
15-Ibid.p.77.
16-Ibid.pp.87-88.
17-Ibid.p..88.
18-Ibidp.89.
19-Ibid
20-Ibid.
21-Ibid.pp.89-90.
22-Ibid.pp.90-91.
23-Ibid.p.91.
24-Ibid.
25-Ibid.pp.91-92.
26-Ibid.p.92.
27-Ibid.
28-Ibid.pp.74-75.
29-Ibid.p.93.
30-Ibid.
31-Ibid.pp.93-94.
32-Ibid.p.94.
33-Ibid.
34-Ibid.pp.94-95.
35-Ibid.pp.95-96.
36-Ibid.p.177.
37-Ibid,p.391.
38-Ibid,pp.398-403
۳۹- عشیق، محمد اکبر، نقد و معرفی کتاب تاریخ عالم‌آرای امینی. آیینه میراث، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۵.
40- Khunji-Isfahni,Ibid,p.149.
41-Ibid.p.21.
۴۲- دکتر ساکت، محمد حسین: «غزالی: دگراندیشی و دگراندیشان». نامه انجمن. سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۱، شماره پیاپی ۵، ص ۶۶.
۴۳- مزایوی، میشل، پیدایش دولت صفوی، ترجمه دکتر یعقوب‌آزند، چاپ دوم، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۸، ص ۸۵.
44- Khunji -Isfahani , Ibid,p.355.